

دیدگاههای شرکتهای پذیرفته شده در بورس نسبت به مسائل مالیاتی



پرویز گلستانی

مالی سالانه همراه با گزارشهای بازرسی قانونی و حسابرسی) و یا شرکت در مجامع عمومی اینگونه شرکتهای به مسائل و مشکلات شرکتهای آگاهی دارد، با این همه به منظور تحلیل دقیق از مسائل مالیاتی اینگونه شرکتهای پرسشنامه‌ای تهیه و به ۱۸۰ شرکت از شرکتهای پذیرفته شده در بورس ارسال شده است و نتایج بررسی پاسخ پرسشنامه‌های دریافت شده بیش از ۵۰ درصد از شرکتهای به شرح زیر است. اطلاعات به دست آمده از شرکتهای بورس به دلایل زیر از اعتبار نسبتاً بالایی برخوردار می‌باشد:

هرچه نرخ تورم بیشتر باشد احتمال جایگزین کردن داراییها برای تداوم فعالیت شرکت کاهش می‌یابد.

اشکالات در روش تشخیص و تعیین مالیات از سوی حوزه‌های مالیاتی) بر روی معاملات سهام این شرکتهای باقی می‌گذارد از جمله مواردی است که بازار سرمایه ایران خصوصاً بازار بورس تهران با آن مواجه است. با آنکه بورس تهران از طریق تماسهای دائم با شرکتهای پذیرفته شده و دریافت اطلاعات مالی (بویژه اطلاعات

فعالیت مجدد بورس تهران از نیمه دوم سال ۱۳۶۸ شروع و حجم معاملات آن طی این مدت به طور مرتب افزایش یافته است. طوری که طی سال ۱۳۷۴ بیش از ۴۳۲ میلیون سهم جمعاً به مبلغ ۱۸۸۰ میلیارد ریال مورد معامله قرار گرفت. تعداد شرکتهای پذیرفته شده تا این تاریخ نیز از ۵۰ شرکت در آبان ۱۳۶۸ به ۲۲۱ شرکت افزایش یافته است که نام ۲۰۱ شرکت در فهرست نرخهای بورس درج شده است و معاملات بر روی سهام آنها به طور روزانه در بورس تهران جریان دارد. مسائل و مشکلات مالیاتی شرکتهای پذیرفته شده در بورس از جهات مختلف بویژه به لحاظ آثار مطلوبی که کسری ذخایر مالیاتی (به علت

الف - مدیریت منافع چندانی در شرکتها ندارند. بنابراین امکان اقدام برای فرار از مالیات حقه دولت در کمترین حدممکن است.

ب - این شرکتها از نظر کلی بهترین کادر مدیریت، بویژه کادر فنی حسابداری را دارند.

۱) یکی از مسائل مهم شرکتها، بویژه شرکتهای پذیرفته شده در بورس، نحوه صدور برگ تشخیص مالیاتی و تعیین مالیات قطعی است. اختلاف فاحش مالیاتهای تشخیصی یا قطعی شده نسبت به سود ویژه یا سود تقسیم شده مصوب مجامع عمومی و آثار نامطلوبی که تحمیل مالیات اضافی بر سهامداران بعدی شرکتها باقی می‌گذارد نگرانیهایی را به وجود می‌آورد که آثار مثبتی بر بازار سرمایه نوپای ایران ندارد. نتایج پاسخهای رسیده از شرکتها در ارتباط با میزان مالیات تعیین شده در برگهای تشخیص و قطعی صادر شده در سه سال اخیر در جدول شماره (۱) نشان داده شده است.

۲) طی سه سال اخیر در مورد ۸۷٪ از شرکتها، تشخیص مالیات آنها از طریق دفاتر قانونی صورت گرفته و فقط ۱۳٪ آنها به صورت علی‌الراس بوده است. به نظر ما این پاسخها با توجه به کادر مدیریت قوی شرکتهای پذیرفته شده در بورس درست و منطقی به نظر می‌رسد و پاسخ حدود ۵۷٪

آثار نامطلوبی که تحمیل مالیات اضافی بر سهامداران بعدی شرکتها باقی می‌گذارد نگرانیهایی را به وجود می‌آورد که آثار مثبتی بر بازار سرمایه نوپای ایران ندارد.

سازمان بورس تهران عقیده دارد اصلاح جدول هزینه‌ها و استهلاکهای پذیرفتنی مالیاتی می‌تواند قسمتی از مشکلات سرمایه‌گذاران در بورس را حل کند

از شرکتهایی که تشخیص مالیات آنها از طریق علی‌الراس صورت گرفته حاکی از این است که مأموران تشخیص مالیاتی صرفاً برای تعیین مالیات بیشتر این روش را انتخاب کرده‌اند. زیرا وجود ایرادهای ظاهری در دفاتر شرکتها از ۳۰٪ کمتر بوده است و در ضمن اکثریت شرکتها (حدود ۸۱٪) عقیده دارند که مقررات مالیاتی مربوط به نگاهداری دفاتر قانونی کارا نبوده و احتیاج به اصلاح دارد. (جدول شماره ۳) مقررات مربوط به هزینه‌ها و استهلاکهای پذیرفتنی مالیاتی از دیگر مسائل شرکتهای پذیرفته شده در بورس تهران می‌باشد و بیش از ۹۶٪ شرکتها عقیده دارند که مقررات فعلی به اصلاح و تجدیدنظر احتیاج اساسی دارد. هزینه‌های مربوط به سود کارمزدی بانکی متعلقه و پرداخت نشده و هزینه‌های عمده دیگری که برخی اجبار قانونی در انجام آن نیز وجود دارد از جمله مواردی است که نپذیرفتن آن از سوی حوزه‌های مالیاتی مورد اعتراض کلیه شرکتها، سهامداران و دیگر افراد ذی‌نفع می‌باشد. سازمان بورس تهران عقیده دارد اصلاح جدول هزینه‌ها و استهلاکهای پذیرفتنی مالیاتی می‌تواند قسمتی از مشکلات سرمایه‌گذاران در بورس را حل کند و با وجود اصول و ضوابط حسابداری داشتن چنین مقرراتی بی‌مورد است.

۴) تناقض قانون و مقررات مالیاتی با

دیگر قوانین از جمله قانون تجارت به اضافه قانون کار و... و یا تناقض آن با اصول متداول حسابداری از دیگر مواردی است که کلیه مؤدیان از جمله شرکتهای پذیرفته شده در بورس را با مشکل اساسی مواجه می‌سازد. قوانین بجای آنکه پشتیبان و مکمل هم باشند و مردم نیز ملزم به رعایت آن باشند، برعکس به علت تناقضهای فراوان، بویژه قانون و مقررات مالیاتی با دیگر قوانین موجود در کشور، به اجبار موجب تشویق به رعایت نکردن سایر قوانین می‌گردد و این اصل را نمی‌توان کتمان کرد اگر شخصی از یک قانون منحرف شود، تخلف از سایر قوانین هم عادی خواهد بود و این تداوم نگران‌کننده‌تر خواهد بود در صورتی که قانونی به صراحت مشوق رعایت نکردن قوانین دیگر باشد. پاسخ پرسشنامه‌ها این است که خوشبختانه ۷۳٪ از شرکتها رعایت سایر قوانین و ۶۳٪ آنها تبعیت از اصول حسابداری را با وجود زیانهای ناشی از تضاد موجود مصراً ادامه می‌دهند. (جدول ۴ الف)

علی‌رغم اطلاع مدیران شرکتهای پذیرفته شده در بورس از آئین‌نامه هزینه‌ها و استهلاکهای پذیرفتنی و تجربیات آنها از نحوه صدور برگ تشخیص مالیاتی، حدود ۶۳٪ از پاسخهای رسیده حاکی از این است که شرکتها ذخیره کافی و لازم برای تفاوت مالیاتهای قابل پرداخت در حسابها منظور نمی‌کنند. و موجهترین دلیل برای اجرا نشدن اصل مهم حسابداری که در قانون تجارت هم مورد تاکید فراوان قرار گرفته، غیرقابل پیش‌بینی بودن مالیات قابل پرداخت اعلام نموده‌اند. و آیا ضعف مدیریت مالی شرکتها موجب آن شده است که نتوانستند هزینه‌های غیرقابل قبول را مشخص کنند؟ و یا آنکه ترس از بالا رفتن مالیات شرکت موجب آن شده است که

توانند ذخیره کافی در حسابها منظور کنند. پاسخهای رسیده حاکی از این است که ۶۱٪ شرکتها عقیده دارند که غیرقابل پیش‌بینی بودن رقم مالیات دلیل عمده محاسبه نشدن ذخیره مالیاتی لازم و کافی بوده و ۲۰٪ آنها نگرانی از اثر منفی آن در تشخیص مالیات را ذکر کرده‌اند. یا به عبارت دیگر نگران آن هستند که در صورت محاسبه ذخیره کافی، مأموران تشخیص به روال معمول خود مالیات اضافی دیگری هم به آن اضافه می‌نمایند. (جدول ۴ ب)

تناقص قانون و مقررات مالیاتی با قانون کار در ارتباط با محاسبه ذخیره بازخرید سالهای خدمت کارکنان موجب شده است که اگر شرکتها بخواهند قانون کار را در این مورد رعایت کنند حوزه‌های مالیاتی قبول ندارند و اگر بخواهند قانون و مقررات مالیاتی را اجرا کنند، قانون تجارت و اصول حسابداری در لزوم ثبت کامل تعهدات نقض شده است. پاسخهای رسیده حاکی از این است که ۸۴٪ شرکتهای پذیرفته شده در بورس محاسبه ذخیره بازخرید سالهای خدمت کارکنان خود را طبق ضوابط قانون کار محاسبه و در حسابها منظور می‌نمایند. و در نتیجه به علت اجرا شدن قانون و مقررات مالیاتی هزینه‌های مازاد به عنوان هزینه‌های غیرقابل قبول برگشت داده می‌شود و نتیجه بررسی پاسخهای رسیده هم حاکی از این است که فقط ۱۵٪ از موارد مزبور مورد قبول حوزه‌های مالیاتی قرار گرفته است. (جدول ۴ پ)

۵) نظریه مدیران شرکتهای پذیرفته شده در مورد نحوه صدور برگ تشخیص مالیاتی حاکی از این است که نحوه تشخیص مالیات از جانب میزان مالیاتی بیشتر جنبه سلیقه شخصی و یا دستور اداری دارد و ضوابط و مقررات و یا اصول حسابداری کمتر مورد

توجه ممیزان قرار می‌گیرد و در مورد مراجعه به ممیز کل برای حل اختلاف با ممیز فقط ۱۶٪ از مؤدیانی که به ممیز کل مراجعه نمودند توانستند اختلاف با ممیز را به طور اساسی حل کنند و ۴۷٪ شرکتها مشکل خود را با مراجعه به ممیز کل در حد تخفیف حل نمودند و مشکل ۳۷٪ بقیه نیز حل نشده باقی مانده است.

۶) براساس اطلاعات دریافت شده ۷۵٪ شرکتهای پذیرفته شده در بورس برای حل مشکلات مالیاتی به هیئتهای حل اختلاف مالیاتی مراجعه نمودند ولی فقط ۱۶٪ مراجعه‌کنندگان به هیئتهای مزبور توانستند اختلاف موجود را به طور اصولی حل کنند و ۸۴٪ بقیه اختلافات یا در حد تخفیف حل شده و یا اصولاً حل نشده است. ۲۵٪ از شرکتهای پذیرفته شده در بورس به منظور اعتراض به تصمیمهای هیئتهای حل اختلاف مالیاتی به شورای عالی مالیاتی مراجعه نمودند و جالب اینکه بیش از ۶۲٪ از آرای هیاتهای حل اختلاف مالیاتی از سوی شورای عالی مالیاتی نقض شده است. لازم به ذکر است آرای نقض شده از سوی شورای عالی مالیاتی نشان دهنده ایرادات اساسی زیر در جریان امور مالیاتی می‌باشد.

۱) غیرمنطقی بودن محاسبات سازمان تشخیص به عنوان مالیات مؤدیان.

۲) غیرموثر بودن اختیارات داده شده به ممیزان کل.

۳) نداشتن توجه لازم و کافی به موقعیت بی‌طرفانه و وظایف محوله به هیاتهای حل اختلاف مالیاتی از سوی هیاتهای مزبور.

به نظر می‌رسد از نظر ایجاد عدالت مالیاتی، جلب اطمینان مؤدیان و همچنین وصول بموقع و بدون هزینه‌های زائد، لازم باشد این مهم مورد توجه جدی مسئولان

یکی از مسائل و مشکلات شرکتها، بویژه شرکتهایی که سهام آنها در بورس مورد معامله قرار می‌گیرد، موضوع دریافت مالیات در شرایط تورمی است.

مالیاتی کشور قرار گیرد. درخور تأمل است که این آمارها مربوط به شرکتهای پذیرفته شده در بورس است که از کادر قوی مدیریت بویژه مدیریت مالی و امکانات استفاده از مشاوران مالی و مالیاتی برخوردار هستند و از نقض تصمیمهای هیئتهای حل اختلاف مالیاتی برای سایر مؤدیان از سوی شورای عالی مالیاتی اطلاعی در دست نیست.

۷) در مورد محاسبه مالیات بر درآمد قابل پرداخت در شرکتها، فقط ۸٪ از پاسخهای رسیده حاکی از این است که نرخهای محاسبه مالیات فعلی مناسب است و ۵۰٪ پاسخ داده‌اند که نرخهای مالیاتی موجود نامناسب و ۴۲٪ بقیه نیز اظهار نمودند که نرخها به طور کلی زیاد است و نیاز به تجدیدنظر اساسی دارد.

در پاسخ ارائه بهترین روش محاسبه مالیات بر درآمد شرکتها، ۲۳٪ از شرکتها پیشنهاد دادند که یک نرخ ثابت مالیات از شرکت دریافت و مالیات سهامداران توسط خودشان پرداخت شود و ۵۳٪ نیز اظهار نمودند که مالیات فقط نسبت به سود تقسیم شده محاسبه شود و نسبت به اندوخته‌ها و سود تقسیم نشده مالیات محاسبه نشود. که فقط ۵٪ از پاسخ‌دهندگان روش مندرج در ماده ۱۰۵ را منطقی و صحیح دانسته‌اند.

۸) در ارتباط با سرمایه‌گذاری مجدد از محل سود و اندوخته‌ها (اندوخته توسعه و تکمیل) حدود ۶۹٪ از شرکتهای پذیرفته

نحوه تشخیص مالیات از جانب ممیزان مالیاتی بیشتر جنبه سلیقه شخصی و یا دستور اداری دارد و ضوابط و مقررات و یا اصول حسابداری کمتر مورد توجه ممیزان قرار می گیرد

شده در بورس عقیده دارند برخورد قانون و مقررات مالیاتی موجود بازدارنده است. و از شرکتی که اقدام به کسب مجوز مربوط و احتساب اندوخته توسعه و تکمیل نموده اند فقط ۵۷٪ در مهلت مقرر قانونی موفق به اجرای طرح و توسعه شده اند و ۴۳٪ بقیه به علت محدودیت زمانی و مشکلات جانبی برای اجرای طرح توسعه نتوانستند در مهلت مقرر نسبت به اجرای طرح توسعه اقدام کنند و در نتیجه اندوخته های توسعه و تکمیل مشمول مالیات شده است.

علت استفاده نکردن از معافیت مالیاتی اندوخته توسعه و تکمیل از جانب شرکتی پذیرفته شده در بورس که عملاً اقدام به طرح توسعه نمودند عبارت است از:

- ۱) تکافو نکردن اندوخته های قابل محاسبه ۲۸٪
- ۲) شک در پذیرش معافیت اندوخته از سوی وزارت دارایی ۲۴٪
- ۳) نپذیرفتن معافیت از سوی وزارت دارایی ۴۸٪
- ۹) یکی از مسائل و مشکلات شرکتها، بویژه شرکتی که سهام آنها در بورس مورد معامله قرار می گیرد، موضوع دریافت مالیات در شرایط تورمی است. آثار نرخ تورم بویژه نرخهای تورم بالا بر صورتهای

مالی بر کسی پوشیده نیست، بنابراین محاسبه وصول مالیات نسبت به سود ابرازی و تقسیم شده شرکتی که داراییهای آنها به موازات نرخ تورم تعدیل نشود، آثار نامطلوبی بر تداوم فعالیت این گونه شرکتها باقی می گذارد. و هرچه نرخ تورم بیشتر باشد احتمال جایگزین کردن داراییها برای تداوم فعالیت شرکت کاهش می یابد. بنابراین اظهار نظر اکثریت شرکتی پذیرفته شده در نیاز به تجدید ارزیابی داراییهای آنها قابل درک است و پاسخ تامین نشدن این نیاز از زبان خود شرکتها حاکی از آن است که ۶۳٪ از پاسخهای رسیده بر لزوم تجدید ارزیابی داراییهای ثابت تاکید دارند و ۹۸٪ از این شرکتها علت عدم اقدام نکردن به تجدید ارزیابی داراییها را موانع و مشکلات ناشی از قانون مالیاتهای موجود می دانند و واقعیت آن است که با وجود احساس نیاز اکثریت پاسخ دهندگان می توان گفت هیچ یک از آنها به علت آنکه می بایستی مالیات پردازند مبادرت به تجدید ارزیابی داراییها ننموده اند.

۱۰) سیستم مالیاتی موجود باعث شده است که شرکتها نتوانند روش یکنواخت و منطبق بر قانون تجارت اعمال کنند. طبعاً تنوع روشها تاثیر مستقیمی در تداخل حقوق صاحبان سهام موجود و سهامداران آینده خواهد داشت. متأسفانه با توجه به بررسیهای انجام گرفته، با توجه به جمیع جهات روشهای اعمال شده به طور کامل با قانون تجارت منطبق نیست. با آنکه پاسخ پرسشنامه های دریافت شده به شرح جدول ۱۰ حاکی از این است که در ۵۲٪ شرکتها قانون تجارت را به طور کامل رعایت نموده اند، ولی این اظهار نظر ناشی از این است که هنوز سهامداران ما آنچنان که باید و شاید در روشهای اعمال شده برای تامین مالیات دقت کافی به عمل نمی آورند، و گرنه

متعرضان روشهای اعمال شده بجای ۱۱٪ به بیش از ۸۹٪ افزایش می یافت. شاید یکی از دلایل توجه نکردن سهامداران در بورس تهران، بویژه سهامداران جزء و اشخاص حقیقی این است که کمتر دنبال سود سهام هستند و یا انتظار آنها به بالا بودن درصد و میزان سود سهام در مرحله دوم تصمیمگیریهای سرمایه گذاری در بورس می باشد. بلکه این دسته از سرمایه گذاران خرید سهام را بیشتر برای افزایش قیمت سهام انتخاب کرده اند.

۱۱) اعتقاد ما این است که بورس باید محل جمع آوری سرمایه گذاریهای جدید جهت ایجاد و توسعه واحدهای صنعتی و اقتصادی فعال و مثبت باشد و شرایط و قوانین موجود در ارتباط با بورس اوراق بهادار نسبتاً مناسب و حافط منافع سرمایه گذاران است اما تأمین سرمایه و جلب نقدینگی از طریق سلب حق تقدم سهامداران موجود و فروش و عرضه آن از طریق بورس، با قانون مالیاتهای موجود امکانپذیر نیست و اظهار نظر منفی ۹۴٪ کارشناسان و مدیران موسسات تولیدی پذیرفته شده در بورس نیز در این مورد (به شرح جدول ۱۱) موید این نظریه است. به نظر می رسد موقع آن رسیده است تا به منظور کاراتر شدن بازار سرمایه و تشویق مردم به سرمایه گذاری بویژه سرمایه گذاری در بورس اوراق بهادار و تامین منابع موسسات تولیدی از طریق عرضه سهام در بورس بجای دریافت تسهیلات بانکی اقدام اساسی و اصولی نسبت به اصلاح سیستم ساختار مالیاتی در حد دگرگونی سیستم موجود به عمل آید. گفتنی است برای رسیدن به درآمدهای مالیاتی پیشبینی شده در بودجه سالانه کشور باید تمهیدات دیگری از جمله تقویت کادر فنی سازمان تشخیص و شناسایی منابع مالیاتی به عمل

آید و از روشهای موجود اجرایی در وصول مالیاتها مبنی بر افزایش سالانه در مبالغ مالیاتهای مؤدیان موجود پرهیز شود. استعلامهای به عمل آمده به شرح جدول ۱۱ مؤید این نظریه است.

۱۲) فعالیتهای اقتصادی و تولیدی با حساب و حسابداری ارتباط مستقیم دارد و چون مالیات و وصول آن نیز به اقتصاد و فعالیتهای اقتصادی وابسته است، از این رو قانون و مقررات مالیاتی نمی تواند بی تاثیر از سیستمهای حسابداری موجود در جامعه باشد. جای نگرانی و تاسف است که به علت وجود قدرت قانونی و قدرت اجرایی در سیستم مالیاتی و نبود یک چنین قدرت و الزاماتی در اجرای اصول حسابداری، عملاً در ایران مالیات بر اصول حسابداری مسلط شده و در نهایت موجب خدشه دار شدن اعتماد عموم به صورتها و اطلاعات مالی شرکتهای گردیده است و این موضوعی است که سازمان بورس اوراق بهادار به دلیل وظیفه‌ای که در به دست آوردن اطلاعات مالی صحیح در مورد شرکتهای پذیرفته شده در بورس و ارائه آن به بازار و به طرفهای ذی نفع اعم از مؤدی و حوزة‌های مالیاتی دارد، نسبت به آن حساس است و امید است که کارگزاران سیستم مالیاتی کشور نیز به اصالت این نظریه ایمان آورند. به نظر می رسد با شرایط موجود مملکت و استقبال روزافزون مردم بویژه سرمایه گذاران کوچک و جزء به سرمایه گذاری در سهام شرکتهای، که نمونه‌های متعدد آن را طی چند ماه اخیر شاهد بوده‌ایم، موقع آن رسیده باشد که مسئولان محترم مالیاتی کشور نیز اصلاح سیستم مالیاتی کشور را که شامل اصلاح قانون مالیاتها و اصلاح در نگرش اجرای قانون و مقررات مالیاتی است سرعت ببخشند. زیرا عقیده داریم وجود یک قانون مالیاتی کارا موجب افزایش

سرمایه گذاری، افزایش اشتغال و افزایش درآمد سرانه و در نتیجه موجب افزایش درآمدهای مالیاتی کشور می شود.

وجود یک قانون مالیاتی کارا موجب افزایش سرمایه گذاری، افزایش اشتغال و افزایش درآمد سرانه و در نتیجه موجب افزایش درآمدهای مالیاتی کشور می شود.

جدول (۱)

میزان مالیات تعیین شده طی برگ تشخیصهای صادره برای سه سال اخیر

نسبت به سود ویژه	نسبت به سود تقسیم شده	نسبت به اندوخته‌های غیر معاف	نسبت به فروش
بین ۵۰ تا کمتر از ۱۰۰٪	بین ۲۵/۵ تا ۳۱/۵٪	۸/۵ تا ۱۹٪	۱۰۰٪
به بالا	۳۹٪	۲۲٪	-
۴۶٪	۲۳٪	-	-

جدول (۲)

نحوه تشخیص مالیات در شرکتهای پذیرفته شده در بورس

از طریق دفاتر قانونی	از طریق علی الراس
۸۷٪	۱۳٪

علت تشخیص مالیات از طریق علی الراس درصد - غیر قابل استناد بودن دفاتر برای تشخیص درآمد واقعی

- وجود ایرادهای ظاهری در دفاتر ۲۹٪
- سهولت تعیین درآمد و پذیرفتن

مسئولیت ۱۴٪

- صرفاً برای امکان تعیین مالیات بیشتر ۵۷٪

نظریه شرکتهای پذیرفته شده در بورس در مورد تشخیص علی الراس سود مشمول مالیات (با وجود مستندات کافی)

درصد

- فقط در مواردی مخدوش بودن دفاتر

قانونی و... ۱۱٪

- فقط در مواردی که حتی با کمک

حسابداران رسمی امکان محاسبه

درآمد واقعی مؤدی وجود نداشته باشد ۸۹٪

جدول (۳)

مقررات مالیاتی مربوط به نگاهداری

دفاتر قانونی

درصد

- مناسب است ۱۰٪

- احتیاج به اصلاح دارد ۳۷٪

- باید مورد تجدیدنظر اساسی قرار گیرد ۴۴٪

- با وجود اصول و ضوابط حسابداری

اصلاً بی مورد است ۹٪

مقررات مربوط به هزینه‌ها و استهلاکات قابل

قبول مالیاتی

درصد

- مناسب است ۴٪

- احتیاج به اصلاح دارد ۴۳٪

- باید مورد تجدیدنظر اساسی قرار گیرد ۵۲٪

جدول (۴) الف

مقررات مالیاتی در مقایسه با تکالیف

قانونی و یا اصول حسابداری

- انتخاب تکالیف قانونی (قانون تجارت +

قانون کار...) یا مقررات مالیاتی:

تکالیف قانونی

مقررات مالیاتی

۲۷٪

۷۳٪

- انتخاب اصول حسابداری یا مقررات مالیاتی:

اصول حسابداری	مقررات مالیاتی
٪۶۳	٪۳۷

- رضایت و یا نارضایتی از اجرای مقررات مالیاتی:

رضایت	نارضایتی
٪۴۷	٪۵۳

جدول (۴) ب

نحوه محاسبه ذخیره بازخرید سالهای خدمت کارکنان: درصد

- طبق ضوابط قانون کار و به میزان کافی در نظر گرفته شده ٪۸۴

- طبق مقررات مالیاتی ٪۱۶

- ذخیره طبق ضوابط وزارت کار مورد قبول ممیز مالیاتی قرار گرفته است ٪۱۵

- ذخیره طبق ضوابط وزارت کار مورد قبول ممیز مالیاتی قرار نگرفته است ٪۸۵

جدول (۴) پ

نحوه محاسبه ذخائر مالیاتی درصد

- محاسبه ذخیره لازم و کافی برای تفاوت مالیاتهای قابل پرداخت ٪۳۷

- محاسبه نکردن ذخیره لازم و کافی برای تفاوت مالیاتهای قابل پرداخت ٪۶۳

علت محاسبه نکردن ذخیره کافی:

- غیر قابل پیشبینی بودن رقم مالیات قابل پرداخت ٪۶۱

- نگرانی از اثر منفی آن در تشخیص

مالیات

- سایر موارد

٪۲۰

٪۱۹

جدول (۵)

نحوه صدور برگ تشخیص مالیاتی و نتایج مراجعه به ممیز کل

نحوه تشخیص: درصد

- مأموران تشخیص در موارد متعدد بر اساس سلیقه شخصی اعمال نظر می کنند ٪۶۳

- مأموران تشخیص در موارد کم سلیقه شخصی را اعمال می کنند ٪۳۳

- مأموران تشخیص در هیچ مورد سلیقه شخصی را اعمال نمی کنند ٪۴

درصد مراجعه به ممیز کل جهت حل اختلاف مالیاتی: درصد

- مراجعه به ممیز کل ٪۷۲

- مراجعه نکردن به ممیز کل ٪۲۸

نتایج مراجعه به ممیز کل: درصد

- اختلاف موجود به طور اساسی حل شده ٪۱۶

- مشکل موجود در حد تخفیف حل شده ٪۴۷

- مشکل حل نشده است ٪۳۷

جدول (۶)

مراجعه به هیئتهای حل اختلاف مالیاتی و شورای عالی مالیاتی درصد

- مراجعه به هیئتهای حل اختلاف مالیاتی ٪۷۵

- مراجعه نکردن به هیئتهای حل اختلاف

مالیاتی

٪۲۵

نتایج مراجعه به هیئتهای حل اختلاف مالیاتی:

- اختلاف موجود به طور دلخواه حل شده است ٪۱۶

- اختلاف در حد تخفیف حل شده است ٪۴۷

- اختلاف حل نشده است ٪۳۷

- مراجعه به شورای عالی مالیاتی ٪۲۵

- مراجعه نکردن به شورای عالی مالیاتی ٪۷۵

نتایج مراجعه به شورای عالی مالیاتی:

- رای هیئت حل اختلاف مالیاتی مورد تأیید قرار گرفت ٪۳۸

- رای هیئت حل اختلاف مالیاتی نقص گردید ٪۶۲

جدول (۷)

نرخهای مالیات بر درآمد

نرخهای مالیات بر درآمد فعلی: درصد

- مناسب است ٪۸

- نامناسب است ٪۵۰

- به طور کلی کم است ۰

- به طور کلی زیاد است ٪۴۲

نرخهای پیشنهادی:

- یک نرخ ثابت از شرکت دریافت و مالیات سهامداران از جانب خودشان پرداخت شود ٪۲۳

- نسبت به سود تقسیم شده مالیات محاسبه و نسبت به اندوخته ها و سود تقسیم نشده مالیات محاسبه نشود ٪۵۳

- مالیات شرکت به نرخ ثابت و مالیات سایر اجزای سود به نرخ تصاعدی (مطابق ماده ۱۰۵ موجود) ٪۵

- مالیات شرکت و سایر اجزای سود به نرخ ثابت (مطابق ماده ۸ موجود) ٪۱۹

جدول (۸)

سرمایه‌گذاری مجدد از محل سود و اندوخته‌ها درصد

- برخورد قانون و مقررات مالیاتی موجود منطقی است ٪۳۱

- برخورد قانون و مقررات مالیاتی موجود بازدارنده است ٪۶۹

- اقدام عملی به اجرای طرح توسعه در سه سال اخیر ٪۵۷

- اقدام عملی نکردن به اجرای طرح توسعه در سه سال اخیر ٪۴۳

- استفاده از معافیت مالیاتی برای طرح توسعه ٪۵۲

- استفاده نکردن از معافیت مالیاتی برای طرح توسعه ٪۴۸

- علت استفاده نکردن از معافیت مالیاتی - تکافو نکردن اندوخته‌های قابل

محاسبه ٪۲۸

- شک در پذیرش معافیت اندوخته‌ها از سوی وزارت دارایی ٪۲۴

- نپذیرفتن معافیت از سوی وزارت دارایی ٪۴۸

جدول (۹)

تجدید ارزیابی داراییها

علت اقدام نکردن به تجدید ارزیابی: درصد

- لزوم تجدید ارزیابی داراییهای ثابت ٪۶۳

- لازم نبودن تجدید ارزیابی داراییهای ثابت ٪۳۷

علت اقدام نکردن به تجدید ارزیابی با وجود لزوم آن:

- موانع و مشکلات ناشی از قانون ٪۹۸

- سایر موارد ٪ ۲

جدول (۱۰)

تاثیر قانون مالیاتهای مستقیم بر اجرای مقررات قانون تجارت درصد

محل تامین مالیاتهای متعلق به سود تقسیم شده و نشده:

- از محل سود تقسیم شده ٪۳۳

- از محل سود تقسیم نشده ٪ ۹

- به نسبت بین سود تقسیم شده و نشده ٪۲۴

- معادل ماده ۱۳۱ از محل سود تقسیم شده و مابقی از محل سود تقسیم نشده ٪۳۳

توجیه اعمال روش بالا:

- رعایت قانون تجارت به طور کامل ٪۵۲

- رعایت قانون تجارت تا حد امکان ٪۳۸

- با وجود رعایت نکردن قانون تجارت بناچار ٪۱۰

آیا در اعمال روش بالا مورد اعتراض سهامداران بوده‌اید؟

- بلی ٪۱۱

- خیر ٪۸۹

طرز تامین مالیات متعلق به اندوخته‌های مشمول مالیات:

- از محل سود تقسیم شده ٪۳۲

- از محل سود تقسیم نشده ٪۳۴

- از محل خود اندوخته ٪۳۴

جدول (۱۱)

موانع تامین سرمایه از طریق عرضه سهام به عموم درصد

- تمایل به فروش سهام جدید حاصل از افزایش سرمایه از طریق عرضه به عموم (سلب حق تقدم) ٪۳۷

- نداشتن تمایل به فروش سهام جدید حاصل از افزایش سرمایه از طریق عرضه به عموم (سلب حق تقدم) ٪۶۳

علت اقدام نکردن به تامین سرمایه از طریق عرضه به عموم

علت اقدام نکردن به تامین سرمایه از طریق عرضه به عموم

- موانع و مشکلات ناشی از مقررات مالیاتی ٪۵۳

- سایر موارد ٪۴۷

جدول (۱۱) الف

- اظهار نظر در منطقی بودن سیستم مالیات بر شرکتها:

- مثبت ٪ ۶

- منفی ٪۹۴

نارسایی موجود در چیست؟

- در متن قانون ٪۳۲

- در اجرای قانون ٪۱۳

- در تاثیر سیستم بودجه‌نویسی در مالیات وصولی

- در مجموع موارد بالا ٪۵۵

جدول (۱۲)

تاثیر متقابل حسابداری و مقررات مالیاتی

نقش حسابداری در سیستم مالیاتی موجود:

- بسیار با اهمیت ٪۱۸

- با اهمیت ٪۳۴

- کم اهمیت ٪۴۹

نقش سیستم مالیاتی موجود بر توسعه حسابداری:

- تاثیر مثبت ٪۱۲

- تاثیر منفی ٪۳۷

- تاثیر مخرب ٪۱۰

- بی تاثیر ٪۴۱

نقش حسابداری در سیستم مالیاتی چگونه باید باشد:

- تعیین کننده ٪۶۳

- با اهمیت ولی نه تعیین کننده ٪۳۷